بازگشت به زندگی در کمپ ترک اعتیاد

امشب ماه را دیدم

ترانه بنی یعقوب

میله‌ها آنقدر بالا رفته‌اند که خانه‌های مسکونی اطراف هم معلوم نیست. اما او توانست از میان این حصارها هم ماه را ببیند، قرص کاملش را. آن توپ گرد نقره‌ای رنگ را که از پشت آن همه فلز خودنمایی می‌کرد. سایه‌های رویش را. یک دفعه به خودش آمد و پرسید چند وقت است چنین صحنه‌ای ندیدی؟ اصلاً مگر اعتیاد اجازه هم می‌داد، چیزی از زیبایی‌های زندگی را ببیند. اما او دیشب ماهش را دید.

سعید ۳۰ ساله یکی از ۶۰ نفری است که اینجا تصمیم به ترک مواد مخدر گرفت. نمی‌دانم چرا هروقت از ترک مواد مخدر یا کمپ مواد مخدر می‌شنوم، ناخودآگاه یاد محلات جنوبی‌تر تهران می‌افتم. شوش، دروازه غار، هرندی و... اما خیریه حضرت فاطمه(س) و حضرت علی(ع) در هیچ یک از این محلات نیست. این خیریه در خیابان کمیل تهران قرار دارد. میان آن همه خانه مسکونی و آمد و شد عادی رهگذران و همسایه‌ها. اما همین جا هر ۲۱ روز، یک بار ۶۰ نفر از اعتیاد خلاص می‌شوند، حمایت می‌شوند و دوباره به زندگی باز می‌گردند. این خیریه به همت ۳ برادر تأسیس شده. همه هزینه‌های ترک مواد واقامت ۲۱ روزه در آن رایگان است. شغل اصلی این سه برادر هتلداری است. اما آنها روزی تصمیم گرفتند در کنار کار اصلی‌شان کاری بکنند کارستان. مرتضی مقدم مدیر انجمن اینجاست، یکی از سه برادر: «دیده‌ای وقتی ماهی از تنگ بیرون می‌افتد و جان می‌دهد؟ چه لحظه سختی است! همه زود می‌پرند و می‌گیرنش. نجاتش می‌دهند. اعتیاد برای ما همین است. انگارداری یک آدم در حال جان دادن را نجات می‌دهی. یک آدم در حال مرگ را...»

سه برادر تصمیم گرفتند در محله آبا و اجدادی‌شان در میان این همه خانه مسکونی، این خیریه را بسازند: «این روزها اعتیاد همه جا هست، محله‌ای را دیده‌ای اعتیاد نداشته باشد؟ اما بالاخره ما بچه این محل هستیم و گفتیم در محله خودمان کاری کنیم. برای اینکه مزاحم همسایه‌ها نباشیم حسابی استتار کردیم. این میله‌ها وایرانیت برای همین است. اینجا هرکس یک بار فرصت دارد. یک فرصت بزرگ.»

چند جا بر در و دیوار نوشته شده هزینه‌های این کمپ توسط هتل... تأمین می‌شود: «اینها برای این است که همه بدانند ما از هیچ کمک دولتی استفاده نمی‌کنیم. خیلی‌ها مثل ما علاقه‌مند هستند چنین کارهایی بکنند. دولت هم باید از آنها حمایت کند. خود ما به سختی مجوز گرفتیم. بهزیستی می‌خواهد همه چیز زیر نظر خودش باشد؛ اگر قرار است به جوان‌ها کمک شود با این مجوزهای طولانی چطور ممکن است؟ این همه آدم دارند جان می‌دهند آن وقت گرفتن یک مجوز چند سال طول می‌کشد.»

ساعت حدود ۱۱ ظهر است و بچه‌ها زیر آفتاب کم رمق روی مبل‌ها و کاناپه‌هایی که در حیاط کوچک چیده شده نشسته‌اند. پتوهای رنگ و وارنگ سمپاشی شده، در گوشه گوشه حیاط تلنبار شده و هوا می‌خورند.

این طرف و آن طرف قفس پرنده گذاشته‌اند؛ طوطی، بلبل، مرغ عشق و... یک سمت حیاط هم لوازم ورزشی هست. در گوشه‌ای از حیاط چند کارتن لوازم خانگی می‌بینم؛ یخچال، ماشین لباسشویی و...

محمد ۵۰ ساله رد نگاهم را می‌گیرد: «خدا خیرشان بده فقط ما را ترک نمی‌دهند. پنج شنبه‌ها خانواده‌ها را دعوت می‌کنند اینجا. خیلی از ما با خانواده میانه‌مان خراب شده. می‌دانی که اعتیاد با خانواده‌ها چه می‌کند. این وسیله‌ها هم جهیزیه دختر یکی از بچه‌هاست. نه تنها خانواده را آشتی دادند برای دختردم بخشش جهیزیه هم درست کردند.» هر کس برای ترک اعتیاد به این خیریه قدم می‌گذارد، باید یک تصمیم مهم گرفته باشد؛ خودش بخواهد ترک کند. اینجا از اجبار هیچ خبری نیست.

مرتضی مقدم می‌گوید: «هر کس دوست دارد یک جوری کار خیر کند. یکی دوست دارد برود زیارت، دیگری دوست دارد یتیمی را سیر کند. اما ما حوزه آسیب اجتماعی را انتخاب کردیم. الان محله‌ای را می‌شناسی مواد مخدر به آن رسوخ نکرده باشد؟ اینجا کسانی را داشته‌ایم که چند بار به کمپ رفته‌اند، اما موفق به ترک نشده‌اند ولی اینجا این کار محقق شد. تمایل به قطع مصرف تنها شرط ماست.» روانپزشک، مشاور و دندانپزشک داوطلبان به ترک را در اینجا همراهی می‌کنند.

محمد ۳۳ ساله سه سال تجربه پاکی دارد. به هروئین و شیشه معتاد بوده. لباس فرم به تن دارد. لباسی که کمی بعد می‌فهمم، لباس کارش است. کار در یکی از مجتمع‌های تجاری بزرگ پایتخت. همین جا ترک کرده: «بذار راحت بهت بگم من کارتن خوابی می‌کردم. همین اطراف در پارک بابائیان و هفت چنار می‌خوابیدم. ورشکسته کامل بودم. از همه لحاظ. اما این روزها امیدوارم. در این سه سال پاکی کار پیدا کردم، برای خودم کسی شدم. الان هم اینجا زندگی می‌کنم. قبلاً فکرم در یک چیز خلاصه شده بود؛ تهیه مواد و مصرفش. به همه آدم‌های اینجا وابستگی دارم، هنوز بعد سه سال حمایتم می‌کنند. دوستشان دارم!» بجز دوره ۲۱ روزه ترک مواد در این مرکز، کلاسهای مشاوره هم برگزار می‌شود.

بوی عدس پلو ناهار امروز همه جا را پر کرده. آشپزخانه تمیز و مرتب است و چند نفری مسئول سر و سامان دادنش. یکی از بچه‌ها همه محوطه را نشانم می‌دهد. خودش هم قبلاً معتاده بوده و حالا با افتخار زیاد از حضورش در اینجا می‌گوید. نظم و دقت را در گوشه گوشه این مرکز کوچک می‌توان دید.

عکس: ایسنا

> این روزها اعتیاد همه جا هست، محله‌ای را دیده‌ای اعتیاد نداشته باشد؟ اما بالاخره ما بچه این محل هستیم و گفتیم در محله خودمان کاری کنیم. برای اینکه مزاحم همسایه‌ها نباشیم حسابی استتار کردیم. این میله‌ها و ایرانیت برای همین است. اینجا هرکس یک بار فرصت دارد. یک فرصت بزرگ

بهروز مدیر داخلی انجمن است. سالها اعتیاد داشته. به قول خودش ۳۷ سال زده و ۱۴ سال است در برنامه است، یعنی پاکی: «تخصص ما درمان بیماری اعتیاد است. ما مشکلات و لغزشهای معتادان را می‌شناسیم. پیشگیری بهترین درمان اعتیاد است.»

او به شیوه ترک برخی معتادان در کمپ‌های ترک مواد مخدر اشاره می‌کند: «این روشها اشتباه است. معتاد را نباید کتک زد، اصلاً با اجبار هیچ چیزی حل نمی‌شود. از اصفهان، کاشان و قزوین برای ترک به اینجا می‌آیند. می‌دانی الان چند نفر در فهرست انتظارند تا اینجا بستری شوند. حاج آقا مقدم‌ها دل دریایی دارند. تا حالا بیش از سه هزار معتاد را درمان کرده‌اند. خیلی‌ها در این ۳۸ ماهه که اینجا باز شده تا همین الان پاکی دارند، این نقطه افتخار ماست. اعتیاد فقط بیماری جسم نیست. روح و روان آدمها را نشانه می‌گیرد. ما اینجا روی روح و روان آدمها کار می‌کنیم.»

مرتضی مقدم بارها محمد و بهروز را در آغوش می‌گیرد و می‌بوسد. می‌گوید پسرهایم را می‌بینی؟ به محمد اشاره می‌کند: «این پسرم را می‌بینی، ماشاءالله. نمی‌دانی از چه روزی به اینجا رسیده!» از این همه عشق و محبتی که بین‌شان رد و بدل می‌شود شگفت زده می‌شوم. بچه‌ها می‌گویند آقا مقدم با همه داوطلبان ترک، اینگونه رفتار می‌کند، همین قدر با مهر و محبت.

بچه‌ها می‌گویند کسانی که اینجا موفق به ترک می‌شوند، در مراحل بعدی هم حمایت می‌شوند. در میدان جمهوری برای بچه‌ها پانسیونی در نظر گرفته شده با ماهی ۲۵۰ هزار تومان اجاره ماهانه. تا زمانی که بچه‌ها پاکند می‌توانند اینجا بمانند. ایجاد شغل هم از دیگر حمایتهای خیریه است برای آنهایی که پاک می‌مانند.

حمید ۲۹ ساله بارها تجربه ترک اعتیاد را از سر گذرانده: «با تریاک رفتم کمپ اول، با شیشه و کراک برگشتم بیرون. این اواخر هم که شیشه مصرف می‌کردم. این بار آمدم اینجا چون وامانده بودم. افتاده بودم به دام یک باند جعل تراول تقلبی. این بار تصمیمم جدی است. الان ۱۳ روز است پاکم. اینجا برایم ایستگاه آخر است.»

حمید در ۲۹ سالگی بیشتر دندانهایش را از دست داده: «اعتیاد تو کله ماست. فقط جلسه و راهنما حالمان را خوب می‌کند. ۹ سال است کمپ می‌روم و می‌آیم اما اینجا یاد گرفتم وقتی بیرون می‌روم چه کنم. در کمپ قبلی نه ماه نگذاشتند، خانواده‌ام را ببینم. دائم کتکمان می‌زدند. در جلسه‌ها می‌گفتند این را نگو آن را بگو. اما اینجا در جلسات هر چه دلمان می‌خواهد می‌گوییم. آموزش می‌دهند، بیرون رفتی چکار کن. توی این کمپهای اجباری یک راهنما ندیدم. می‌گفتند برو بیرون پاک بمان. فکر نکن پول نمی‌گرفتند ها. یکی‌شان هر ۲۱ روز ۴۵۰ هزار تومان از خانواده‌ام پول می‌گرفت. معتاد تا خودش نخواهد ترک کند، فایده ندارد که ندارد.»

مسئولان کمپ هم تأکید می‌کنند آموزش مهم‌ترین بخش ترک اعتیاد است: «ما روزی ۴ ساعت برای بچه‌ها وقت می‌گذاریم وگرنه ۲۱ روز خارج شدن سم از بدن هیچ کمکی نمی‌کند.»

حمید به سمت قفس پرنده‌ها می‌رود. کنار قفس مرغ عشق‌ها چمباتمه می‌نشیند. می‌گوید باورت می‌شود در همه این روزها که اینجا بودم اینها را ندیده بودم؟ انگار دوباره دارم، زیبایی‌های زندگی را می‌بینم. دوباره از نو!

میراث فرهنگی؛ از آموزش عمومی تا مشارکت اجتماعی

ابراهیم اسدی شبلی
رئیس انجمن توسعه صنعت گردشگری

تردیدی نیست که میراث فرهنگی ایران به‌عنوان کشوری تمدن ساز و با سابقه تاریخی طولانی، یکی از ارزشمندترین میراث فرهنگی جهان است. در ایران تقریباً هیچ شهری نیست که چند اثر تاریخی شاخص نداشته باشد. با این همه این آثار به دلایل متعددی همواره در معرض تخریب بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به زلزله به‌عنوان یک عامل طبیعی و جنگ‌های پی در پی به‌عنوان عاملی انسانی اشاره کرد. کارشناسان می‌گویند آثار ساخته شده در مرکز ایران به دلیل دوری از نواحی زلزله خیز سالم‌تر مانده است.

نخستین آشنایی ایرانیان با موضوع اهمیت موزه، آثار و میراث فرهنگی و نحوه حفظ و حراست از آنها برمی‌گردد به سال ۱۲۵۱ شمسی و سفر ناصرالدین شاه به فرنگ. او پس از بازگشت دستور تأسیس موزه‌ای در ارگ سلطنتی را داد که چند سال بعد دارای ساختمانی مستقل شد. ۳۸ سال پس از سفر ناصرالدین شاه و در دوران مشروطه، وقتی نام وزارت علوم به «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» تغییر کرد، مسئولیت حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی و بناهای تاریخی نیز بر عهده وزارتخانه جدید گذاشته شد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که در همین سال‌ها دانش آموختگانی نیز در این زمینه تربیت شده بود که در مجموع می‌توانستند سر و سامانی به وضعیت میراث به جا مانده تاریخی بدهند، به فکر اکتشافات جدید باشند و در حفظ و نگهداری آنچه هست بکوشند.

■ نگهداری و حفاظت

نگهداری، بازسازی و احیای میراث فرهنگی، سه موضوع مهم و اساسی در زمینه حراست از میراث فرهنگی است که هر یک به‌عنوان رشته‌ای تخصصی در دانشگاه‌های بزرگ دنیا مطرح است. در مرحله نخست یا نگهداری، آنچه اهمیت دارد، حفظ وضعیت موجود برای نسل‌های بعدی است. در این مرحله باید به بنا استحکام بخشید و مانع از فرسایش آن بر اثر باد و باران یا تخریب مصنوعی شد. نمونه‌ای از تخریب مصنوعی را می‌توان فلاش زدن به هنگام عکاسی یا نوشتن و کندن نام برد.

برخی از کارشناسان اعتقاد دارند استفاده از بنا با پیش‌شرط‌هایی می‌تواند به حفظ بنا کمک کند. به‌عنوان مثال بسیاری از بناهای قدیمی اروپا هم‌اکنون نیز در قالب ساختمان اداری یا حتی هتل، مورد استفاده هستند. در برخی از این بناها همچون مجموعه کاخ‌های کرملین روسیه، همزمان با کار اداری کارمندان، بازدیدکنندگان نیز می‌توانند در محدوده‌های تعیین شده، به بازدید بپردازند.

■ بازسازی و ترمیم

در مرحله بازسازی آنچه مهم است، رعایت طرح و نقشه اولیه است. همچنین می‌بایست تا جایی که امکان دارد، از مصالح خود ساختمان برای ترمیم استفاده کرد. گاه بنا به دلیل اهمیتی که دارد و نیز میزان تخریبی که به آن وارد شده، می‌بایست از ابتدا ساخته شود که در این زمینه ارگ بم مثال خوبی است. نقشه ارگ به‌عنوان بزرگ‌ترین بنای خشتی جهان در دست است و متخصصانی که در سال‌های پیش از زلزله مشغول مرمت آن بودند نیز، بخوبی زوایای این بنای تخریب شده و مصالح آن را می‌شناسند.

این بنا از آنجایی که میراث جهانی محسوب می‌شود، پس از تخریب ۸۰ درصدی آن در جریان زلزله ۱۳۸۲ بم، بسیاری از کشورها از جمله ژاپن، ایتالیا و فرانسه زیر نظر یونسکو- سازمان جهانی فرهنگ- در بازسازی آن مشارکت دارند.

■ احیا و استفاده عملکردی

در بالا به استفاده عملکردی و کاربری جدید بناهای تاریخی اشاره شد؛ رویکردی که به‌عنوان یکی از راه‌های مهم حفظ و حراست از میراث فرهنگی در بسیاری از کشورهای جهان رواج دارد. باید اشاره کرد که متأسفانه ما در این زمینه بسیار کم کار بوده‌ایم و نهایتاً از یک مجموعه تاریخی در حد تبدیل آن به موزه، استفاده برده‌ایم. درحالی که اساساً در تغییر کاربرد، علاوه بر نگهداری از بنا، مسأله هویت‌بخشی به ساختار شهری و مواجهه هر روزه شهروندان با تاریخ و هویت فرهنگی نیز مطرح است.

■ مشارکت نهادهای اجتماعی

حفظ و حراست میراث فرهنگی در کشور، نیاز به آموزش در لایه‌های اجتماعی و مدیریتی بسیاری دارد که با فعال کردن نهادهای اجتماعی و جلب مشارکت‌های مردمی از طریق سازمان‌های مردم نهاد امکان‌پذیر است. این آموزش‌ها را می‌توان در چند سطح بخش‌بندی کرد:

۱- آموزش عمومی از طریق رسانه‌ها، صدا و سیما و مطبوعات و نشریات. ۲- آموزش تخصصی در تمام سطوح دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی. ۳- آموزش هنرهای سنتی که خود بیش از ۱۵۰ رشته است. ۴- آموزش ضمن خدمت به کارکنان میراث فرهنگی برای ارتقای دانش آنها. ۵- آموزش نیروهای انتظامی و شوراهای شهر و روستا و مأموران گمرک. ۶- انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی و توسعه‌ای در زمینه میراث فرهنگی. ۷- ارائه راهکارهای منطقی در زمینه تقابل طرح‌های توسعه زیرساخت‌های اقتصادی با حفاظت از آثار باستانی و میراث فرهنگی و...

عکس: میراث آریا

> حفظ و حراست میراث فرهنگی در کشور، نیاز به آموزش در لایه‌های اجتماعی و مدیریتی بسیاری دارد که با فعال کردن نهادهای اجتماعی و جلب مشارکت‌های مردمی از طریق سازمان‌های مردم نهاد امکان‌پذیر است

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۶۳۵۳

جدول عادی

افقی:
۱- سرمربی سپاهان اصفهان- اثر آناتول فرانس
۲- مرکز مغولستان- آماده
۳- مظهر زیبایی در طبیعت- سنگین نیست- صفت سمندر- نمدزین
۴- واحد شمارش گاو و گوسفند- شناسه حساب بانکی- پوشاک پیشانی!
۵- درختی تنومند- ویران کردن- مناره
۶- یار خروس- کشیده شده به‌جایی یا به‌سوی چیزی- الهه عقل
۷- اتاق چای ادارات- هذیان
۸- قیمت بازاری- عداوت- نامی پسرانه- چسبیده به گردن
۹- از پیشگامان جامعه‌شناسی- نوعی شیرینی‌تر
۱۰- سازمان نفتی!- شب پیش- وقت معین
۱۱- چراغ چشمک زن خودرو- گوشت خالص که چربی و استخوان نداشته باشد- جوان لگلیسی
۱۲- بی‌احترامی- انگشت برجسته- کتف
۱۳- وزیدن- اهرم- الکترود انجام عمل اکسایش- گندم
۱۴- بیابان- رگ نگاری
۱۵- این سبزی هم در سالاد و هم در تهیه غذاها به‌کار می‌رود- خنک‌کننده تابستان

عمودی:
۱- این عدسی نور را پراکنده می‌کند- عقیده‌ها و اندیشه‌ها- بیان چگونگی و حالت
۲- زمین بایر و دور از آبادی- تهیدست- کیوان
۳- نت بیمار!- جاوید، همیشه- بنایی بسیار کهن در اصفهان با نام‌های دیگر سارویه یا کهن دژ
۴- گل ناامید!- چهاردهمین شهر پرجمعیت ایران- حشره چسبنده- خاندان
۵- شکافتن قبر- دور از وطن- مرجع
۶- عظمت و شکوه- انبار کشتی- پیامبر شوش
۷- حرف فاصله- روبات- سرود
۸- مرکز یونان- جمع منت- رتبه کارمندی- موی پلک چشم
۹- ماج آبدار- مهاجم تیم ملی فوتبال کشورمان که در تیم آلکمار هلند بازی می‌کند- حرف انتخاب
۱۰- نجار- علفی که در آب روید- برابر
۱۱- زیرک و هشیار- بینی- چسبان و کیپ هم
۱۲- کشنده بی صدا- بانگ- جنس کلاه روستایی- رویه‌ای متقابل میان همسران
۱۳- نداری- دشنام گو- ضمیر بی‌حضور
۱۴- صدای گربه- تنبل، خوشگذران- نمازهای مستحبی
۱۵- قوت لایموت- شاه فرانسوی- پوشش روی چرخ

جدول ویژه

افقی:
۱- تصور- کاشف سرم دیفتری
۲- دومین پسر شاه اسماعیل یکم صفوی- به اندازه
۳- علامت مفعول بی واسطه- صندلی دوچرخه- بالا رفتن قیمت‌ها- کشت بارانی
۴- خونابه- میان- مثل
۵- کمیابی- تله ماهی- بی تجربه
۶- رنج- پرچم گل که دانه‌های گرده درون آن است- ناز و ادا
۷- راسته‌ای از پرندگان- جزیره ایرانی
۸- برابر- چک- پیشخانه- ضمیر چهارم
۹- نغمه- سریالی به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده
۱۰- خوشنما- گرداننده- قایق موتوری
۱۱- بی بضاعت- یک دوم هر چیز- رخسار
۱۲- خوراک- تکان خوردن- جمع منت
۱۳- خداحافظی خارجی- آسیاب خانگی- عدسی- عید ویتنام
۱۴- خبرگزاری رسمی ایتالیا- هنر و فن حروفچینی برای نمایش زبان
۱۵- روشی در معالجه سرطان- یک جزء از ۱۰ جزء چیزی

عمودی:
۱- کارگر رستوران- کارآمدی افراد- امر از بودن
۲- حومه استان البرز- از علائم نگارشی- بلادرنگ
۳- سفید آذری- گوزن- اعتقاد به عالم ارواح
۴- کرشمه- دستگاه مخابراتی- متکدی- حرف خطاب
۵- میوه چهار فصل- طریق- پول فلزی
۶- داشتن ایمنی- زائو ترسان- پی‌دریی
۷- ام‌الخبائث- تازه تأسیس- ملامت‌کننده
۸- چراگاه ایل- واضح- نام رونی- جد
۹- ضرورت- از لحاظ جمعیت و فعالیت اقتصادی بزرگ‌ترین و قوی‌ترین استان کانادا می‌باشد- قلم انگلیسی
۱۰- درخت خاردار جنگل‌های شمال ایران- افزونی برنج پخته- صاحب غزلیات شمس
۱۱- قربانگاه مکه- تلسکوپی در مدار زمین- جامه حمام
۱۲- حرف پوست کنده- صنف- نوبت نمایش فیلم- رنگی شاد
۱۳- نت- سنگسار شده- نفس دردمند
۱۴- مقابل اثبات- پولی که هنگام دیدن عروس بدهند- نیست ونابود گشته
۱۵- واحد بازی والیبال- روستایی از توابع بخش چاهورز شهرستان لامرد- شیء باستانی

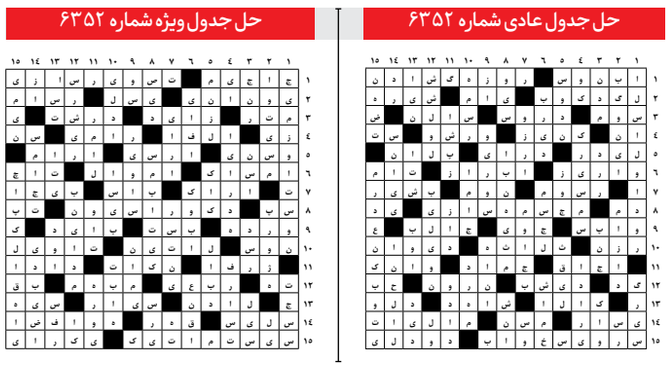

حل جدول عادی شماره ۶۳۵۲

حل جدول ویژه شماره ۶۳۵۲